

بلک بری هملت

وiliam پاورز

ترجمه
علی رضا طاق‌درة

فرهنگ‌نشرنو
با همکاری نشر آسپد
تهران- ۱۳۹۹

بلک‌بری هملت

ترجمه علی‌رضا طاق‌دره

از Hamlet's BlackBerry

William Powers

Harper Collins, New York, 2010

فرهنگ‌نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۹

شمارگان ۱۱۰۰

ویرایش تحریریه نشر نو

مصحح آرا مرتضی فکوری

طراح جلد حکمت مرادی

چاپ غزال

ناظر چاپ سراج

با سپاس از انتشارات دیار

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

پاورز، ویلیام، ۱۹۶۰-

عنوان و نام پدیدآور بلک‌بری هملت/ ویلیام پاورز ترجمه علی‌رضا طاق‌دره.

مشخصات نشر

تهران: فرهنگ نشر نو؛ آسپ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

۳۱۹ ص.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۰۰۹۱-۱

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبا

موضوع

اینترنت -- جنبه‌های اجتماعی؛ کیفیت ر-حی؛ عزالت.

شناسه افزوده

طاق‌دره، علیرضا، ۱۳۴۲ -، مترجم.

رده‌بندی کنگره

۱۳۹۷ ۸ب۲/۵۱/HMA

رده‌بندی دیویی

۳۰۳/۴۸۳۳

شماره کتاب‌شناسی ملی

۵۴۵۳۰۴۰

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فروشگاه اینترنتی www.nashrenow.com

قیمت ۵۸,۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه ترجمه
۱۳	سپاسگزاری
۱۹	پیش درآمد: اتاق
۲۵	مقدمه

بخش اول: پیکاوکها

۳۵	۱ پر مشغله، بسیار پر مشغله
۴۸	۲ سلام مادر
۶۰	۳ سوار بر قایق
۱۰۲	۴ راه حل هایی که نیست

بخش دوم: در فراسوی جمعیت

۱۲۱	۵ قدم زنان تا عرش
۱۴۲	۶ چشمه هایی در ذهن
۱۶۴	۷ آینه های کوچک
۱۸۴	۸ بلک بری هملت
۲۰۷	۹ خلق زندگی برای خویش

۲۲۷ ۱۰ حریم والدین

۲۴۹ ۱۱ خُنْکَا خویشتن

بخش سوم: در جست و جوی عمق

۲۶۷ ۱۲ کمی بی مشغله

۲۸۳ ۱۳ وحشت از قطع ارتباط

۲۹۷ پی نوشت: بازگشت به اتاق

۳۰۵ یادداشت ها

مقدمه مترجم

بیش از صد و پنجاه سال پیش که بشر در اوج انقلاب صنعتی در کارخانه‌های خود به قدرت شگفت‌انگیزی دست‌یافت، رالف والدو امرسون می‌گفت: «اشیا در زینی بر پشت انسان نشسته‌اند و می‌تازند»، سخنی که ما را در ایران به یاد این بیت فردوسی می‌سازد:

چنین است رسم سرای درشت گهی پشت زین و گهی زین به پشت

در شاهنامه، رستم، که اسبش رخس را گم کرده است، زین او را بر شانه می‌گذارد و به دنبالش می‌گردد. این شبیه بلایی است که امرسون به آن اشاره کرده است. گرفتاری انسان در دوران انقلاب صنعتی این بود که ابزار برایش وسیله زندگی هدف بود. سرمداران این انقلاب، که به قدرت تولید انبوه دست یافته بودند، برای فروش کالاهایشان مردم را به مصرف انبوه تشویق می‌کردند. آنچه در چرخه تولید و مصرف فدا شده بود، اصل زندگی بود. مردم، در نظام اقتصاد مصرفی، هدف از خریدن این ابزارها را طوری گم کرده بودند که گاه زینی می‌خریدند که اصلاً اسبی برایش نداشتند. این گونه بود که این زین بر گردۀ خود انسان نشسته بود. نویسنده معاصر امرسون، هنری دیوید تارو^۱، می‌گفت: «آدمی ابزار ابزارهای خویش گشته است»^۲.

1. Henry David Thoreau

۲. والدن، هنری دیوید تارو، ترجمه علی‌رضا طاق‌درة، انتشارات شهرآب، آینده‌سازان: ۱۳۹۸.

انقلاب تازه

امروزه بشر به اوج انقلابی تازه با نام «انقلاب اطلاعات و ارتباطات» رسیده است. انقلابی که، به اعتقاد بسیاری، در تاریخمانندی ندارد و تغییرات بی‌شماری را در تمام جنبه‌های زندگی انفرادی و اجتماعی ما در سراسر جهان ایجاد کرده است. قدرت این انقلاب به قدری است که دانشمندان معتقدند دوران تازه‌ای در تاریخ جهان آغاز شده؛ دانشمندان بر این باورند که بشر تاریخ را پشت سر نهاده و به دوران تازه‌ای به نام فزائرخ رسیده است. در دوران ماقبل تاریخ، انسان قادر به ثبت اطلاعات نبود. در دوران تاریخ، بشر به توان ثبت اطلاعات رسید. اکنون، با اختراعات و تکامل نرم‌افزارها، دورانی آغاز شده که در آن، اطلاعات وجودی مستقل یافته و می‌تواند خود را اصلاح و با زندگی بشر هماهنگ کند و اداره خویش را اداره کامل زندگی انسان را بدون دخالت خود انسان تماماً به دست بگیرد.

در چنین عصری، واجب است کتاب‌هایی تدوین و ترجمه شود که آگاهی فردی و اجتماعی ما را از آنچه بر ما می‌گذرد و آنچه قرار است بر سرمان بیاید افزایش دهد. در کتاب حاضر، ویلیام پاورز، با الهام از نگاه فلسفی امرسون، هنری دیوید تارو و چند ادیب و فیلسوف دیگر، به موضوع رابطه انسان با ابزار و فناوری می‌نگرد. پاورز با آغوش باز از فواید فراوان فناوری و ابزارهای دیجیتال در تمام جزئیات زندگی استقبال می‌کند، اما دلیل نگرانی‌اش به هم ریختن توازن زندگی به نفع ابزارها و البته تولیدکنندگان ابزارهاست.

اکنون اندیشمندان در پی این‌اند که به فهم دقیقی از رابطه انسان با ابزارهای دیجیتال برسند و توازن بین انسان و ابزار برقرار کنند. این تلاش‌ها از دهه ۱۹۵۰ است که مجله ساینس^۱ در شماره نهم مارس سال ۲۰۱۸ خود از پژوهشی عجیب درباره رفتار اجتماعی مردم در شبکه‌های اجتماعی خبر داد. در این پژوهش، دانشمندان با روش‌های دقیق علمی و آماری، در طول یازده سال حدود ۱۲۶ هزار

خبر راست و دروغ را به تعداد چهار میلیون و پانصد هزار بار در شبکه اجتماعی توئیتر در میان حدوداً سه میلیون نفر منتشر کردند. این تحقیق نشان داد که دروغ، در تمام موضوعات دسته‌بندی‌شده، صدبرابر بیشتر از مطالب راست منتشر می‌شود. در دیداری که با ویلیام پاورز و دیگر اعضای این گروه پژوهشی در کنکورد ماساچوست داشتم، گفتند پژوهشگران مزبور می‌خواهند ساختاری هدفمند برای شبکه‌های اجتماعی طراحی کنند، ساختاری که از پراکنده‌گویی و بی‌نظمی بکاهد و هر فرد در آن بداند با چه هدفی، در چه گروهی و در چه گفت‌وگویی شرکت می‌کند. ساختار چنین گروه‌های هدفمندی طوری طراحی می‌شود که گروه یا شبکه اجتماعی مزبور بعد از رسیدن اعضای آن به مقصود خود، تعطیل و برچیده شود. نیز طراحی از آن به اجتماع و پیوند با دیگران و ترسش از جدایی و تنهایی، وی را گرفتار بلای دیگری کرد که نامش «ارتباط دائمی» است. با رشد رایانه‌ها و اینترنت و نیز سسترش چندملابردی گوشی‌های همراه، دیگر هیچ کس در هیچ مکان و زمانی از دیگران جدا نیست. ما همیشه و همه جا در دسترسیم. امروزه هر کسی، هر جا و در هر لحظاتی که اراده کند، می‌تواند با ما گفت‌وگو کند. فقط کافی است گوشی در دستان باشد. این همیشه خوب است؟

بسیارند کتاب‌هایی که مشتاقانه ابعاد مختلف فناوری و فوایدش را در زندگی انسان بررسی می‌کنند، اما موضوع کتاب بلک‌بری، هملت انسان و فناوری است، نه فناوری و انسان. تا آنجا که من باخبرم، هنوز کتاب چندانی با این رویکرد شیرین فلسفی در زمینه نحوه رفتار با فناوری دیجیتال در ایران چاپ نشده است. این اثر، که در فهرست کتاب‌های پر فروش روزنامه نیویورک تایمز قرار دارد، می‌تواند الهام‌بخش بسیار خوبی برای فرد فرد ما و خانواده‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌ها باشد. بلک‌بری هملت زندگی بسیاری از انسان‌ها را عوض کرده است.

هوش مصنوعی به‌زودی راه خود را از تلفن‌های هوشمند به تمام ابزارهای دیگری که بشر از آن استفاده می‌کند، باز می‌کند. به‌زودی تمام ابزارهای ما، از مداد، دفتر، شانه، لباس، میز، صندلی، یخچال گرفته تا تک‌تک چیزهای دیگری که بشر از آنها استفاده می‌کند، مجهز به تراشه‌های هوشمند می‌شوند. تمام ابزارهای انسان به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شوند که هوشمندانه بر تمام جزئیات رفتار و افکار ما

نظارت دقیق کنند، به اینترنت وصل شوند و حاصلش را در اختیار مراکز فروش، پزشکی، تولیدی، تبلیغاتی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر مراکز خصوصی و عمومی قرار دهند. این پدیده را «اینترنت اشیاء» نام نهاده‌اند.

آیا بشر اختیارش را به کلی به ابزارهای هوشمند می‌سپارد؟ آیا بدل به قطره‌ای می‌شویم که در اقیانوس جمعیتی که پشت صفحات دیجیتال^۱ است، غرق و نابود می‌شود؟ آیا به جای استفاده صحیح، اجازه خواهیم داد تا این ابزارها زین را بر گردۀ^۲ بگذارند و بتازند؟ آیا ابزار ابزارهای خود می‌شویم؟

پاورز در کتابش برای حل مشکلات فناوری دیجیتال به رفتار و گفتار فیلسوفان و دانشمندان در غرب تکیه می‌کند که بعضی از آنان صدها یا حتی هزاران سال پیش زندگی کرده‌اند. این کار الهام‌بخش ما نیز می‌تواند باشد. ما نیز برای حل بعضی از مشکلات مربوط به فناوری می‌توانیم در کنار فیلسوفان بزرگ غربی از حکیمان شرقی و ایرانی کمک بگیریم. مثلاً برای آنکه نگذاریم ابزارهای هوشمند دیجیتال مسخمان کنند، خوب است این شعر مولانا را به یاد بیاوریم که گفت:

باده در جوشش گدای جوش ماست پرخ در گردش اسیر هوش ماست
باده از ما مست شدنی ما از باده چرخ از ما هست شدنی ما از او

چه سود از هوشمندی ابزارها اگر ما خود در شمش نباشیم؟ گوشی‌های همراه انسان‌ها را از فواصل دور به هم نزدیک، اما آن را از خود و نزدیکان و عزیزانشان دور کرده‌اند. گاهی فواصل جغرافیایی را از میان برداشته‌ایم، آن را به فواصل عاطفی بدل کرده‌ایم. در زمستان عاطفی روزگار، سرما در محفۀ^۳ تلفن همراه است و به قول اخوان ثالث، دیگر از سرما در گریبان نیست. به قول شاعران:

کوه‌ها با هم‌اند و تنه‌ایند
همچو ما با همان تنه‌ایان.

۱. screens: نویسنده از این کلمه در نقش مخفی برای «ابزارهای ارتباطی دیجیتال» استفاده کرده است. این کلمه کامپیوترهای شخصی، نوت‌بوک‌ها، گوشی‌های تلفن همراه، کتابخوان‌های الکترونیکی و تبلت‌ها را در بر می‌گیرد. به پیشنهاد ویراستار برای این کلمه «صفحات دیجیتال» را برگزیدیم و در سراسر متن به همین معنا استفاده شده است.

در جهان امروز، دیگر ثروت کشورها فقط نفت و فولاد و مس و گاز و دیگر منابع طبیعی نیست؛ برنامه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای است. اما نکته این کتاب آن است که برای استفاده صحیح از یک ابزار نمی‌توانیم فقط به فوایدش توجه کنیم. برای بقای خود و خانواده‌مان در جامعه و جهان امروز، شایسته است به شناخت دقیق و صحیحی از فناوری دیجیتال و تأثیرات آن بر زندگی و روابط انسان برسیم. راه درست رفتار با آن را بیاموزیم. پاورز این کتاب را با چنین آرزویی نوشته و من نیز آن را با همین آرزو ترجمه کرده‌ام.

علی‌رضا طاق‌دره

مهرآباد جنوبی

زمستان ۱۳۹۸

taghdarreh@gmail.com